

آریائی

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES

کیہا عامل اصلی اختلاس، فساد و رشوت در کشور بوده اند؟؟؟



بخش هشتم (تحقیق و پژوهش استاد صباح)



مسافر خسته خسته می نویسی
چرا با لب بسته می نویسی ؟
عیان بنویس ز درد ورنج مردم

بگو چرا شکسته می نویسی؟

پیش از یک دهه میگذرد که ناتو، پنتاگون و آیساف در افغانستان میتازد، اما مردم هنوز هم در سایه تفنگ، فساد، استبداد و آدمکشی بسر برده و زندگی برای مردم بی واسطه و فقیر شکنجه بار و دردناک است.
فقط تفاوت کشور با یک دهه قبل اینست که ریش ویکول تبدیل به دریشی های رنگارنگ و نکستی باریک و دبل گردیده و بعضی از کلمات مانند دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق زنان، حقوق بشر، مردم سالاری و انتخابات جای جهاد، مقاومت، پیدا و پناه، وند بازی، فاتح، نعره تکبیر، مجاهد و ملحد را اشغال و آنایکه چور و چپاول میکنند این کلمات و جملات را یاد گرفته اند و با آن بازی می کنند.
قوماندانها و جنگ سالاران غارتگر و آدم کش که از راه رذالت و چپاول و فساد و قاچاق مواد مخدر به میلیونرها مبدل شده اند. از زمان به قدرت رسیدن کرزی، مواضع و تصمیم های ضد و نقیض وی برای همگان آشکار است به گونه ی که امروز با یک مساله موافقت و فردا موضعش یکصد و هشتاد درجه در قبال همان مساله تغییر می کرد.

به آتش میکشانی ساحل من

چرا پا ماندي در آب و گل من

نمیخواهم دیگر نامت بگیرم

پروتو دست بردار از دل من.

عملکردهای شتاب زده، مصلحتی، عجولانه، فرمایشی و هدایت شده خلاف میل توده ها شرایطی را به وجود آورده که به درگیری های داخلی، ناامنی، سرقت مسلحانه، اختطاف و تولید تریاک منجر شده است. نزدیک به یک دهه از زمان سقوط حکومت سیاهی طالبان می گذرد، حدودی صد و پنجاه هزار نظامی کشورهای هم پیمان آمریکا و حدود دویست هزار نفر پرسونل اردوی ملی، صد هزار پولیس ملی و هزاران پرسونل امنیت ملی مصروف مبارزه با طالبان و القاعده و تأمین امنیت در کشوری باشند اما سرانجام این مأموریت تا به امروز تداوم ناامنی، افزایش موج خشونت، گسترش درگیریها از جنوب و شرق به شمال و غرب کشور، افزایش کشت خشخاش و رونق تجارت تریاک، توقف روند بازسازی، قدرت گیری دشمنان وطن بوده است. در طی این سال ها این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابسامانی ها کارهای بزرگی انجام میشد اما نشد و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی به یأس تبدیل گردید. در دولت فعلی، حاکمیت قانون گسترش نیافته، دشمنان قوی تر شده، ناامنی و خشونت افزایش پیدا نموده، فقر، بیکاری، بی نظمی، بی اعتمادی و دلسردی پله های اوج گیری اش را سرسام آورده می کند.

با تداوم حکومت کرزی فساد مالی، رشوت ستانی، زورگویی، بی قانونی، فساد اجتماعی، جنایت اخلاقی، بزن، بپرو بکش سلاحداران، بیکاری، فقر، و چور و چپاول به اوج خود رسید. از جانب دیگر ریاست عمومی امنیت ملی بدون در نظر داشت مصونیت و قانونیت، دست به گرفتاری و اذیت قلم بدستان کشور زده و خودسرانه و ظالمانه میخواهد که هر روزنامه نگار یک بار مزه تلخ کوتاه قلبی و فشار فیزیکی و روانی این اداره را بچشند تا مطابق میل آنان سیاه را سفید و نالحق را حق بگویند. این شیوه آینده امیدوارکننده در کشور ندارد، زیرا اعتماد مردم از دست میرود.

کشور به سوی هرج و مرج می رود و در حال سقوط به دامان افراطگرایی، تفنگداری و بنیادگرایی است. طالبان بعد از فرار به کوه ها بار دیگر دولت را به مبارزه طلبیده و در بعضی ولایات فرمان میرانند. آنها کنترل بعضی ولایت و ولسوالی ها را به دست گرفته و دستور آنان در مقایسه با قانون دولت از قبولیت بیشتر برخوردار است زیرا جبراً بالای مردم بی دفاع می قبولانند چون دولت نمیتواند تأمین کننده امنیت جانی و مصونیت زندگی اجتماعی باشد.

تعداد بیشتر مردم به کشت خشخاش که مواد خام هیروئین از آن به دست می آید رو آورده اند. مأمورین دولت از مردم رشوت درخواست نموده و آن را شیرینی می خوانند و بسیاری از آنها در تجارت مواد مخدر دست دارند. بسیاری از مردم به دولت بی باور شده اند و از این که دولت نتوانسته در زندگی شان تحول مثبت بیاورد، مسئله فساد در دولت را حل نماید و برمسایل مواد مخدر و شورش طالبان و رفع موانع از جاده های کابل راه حلی پیدا کند مأیوس شده اند.

عبور و مرور مقامات دولت به خصوص در سطح وزیر یا بالاتر و پائین تر، یکی از معضلات بزرگ و طاقت فرسای مردم شهر کابل است و علی رغم اعتراضات، انتقادات و گوش زدهای مکرر و مداوم مردم و انعکاس آن از طریق رسانه های گروهی، متأسفانه این مشکل کماکان لاینحل باقی مانده است.

عبور و مرور اراکین و سران حکومت، در این سال ها دیگر تنها یک مشکل نیست، بلکه علت دیگری در ایجاد فاصله، خشم، نارضایتی و حتی انزجار مردم نسبت به مسوولین نظام است. آنچه که در حین عبور و حتی پس از ختم نمایش جلال و شکوه افسانه ای مقامات نثار آنان می شود، دشنام و دعا از کسانی است که به جزاه و ناله چاره ی دیگری ندارند و حتی اگر هنگام گذر قدرتمداران میسر آنان را تخلیه نکنند، بدون هیچ ارزش و بهای ممکن است، زیر تیرشوند و یا وسیله نیروهای امنیتی و پادگانها مقامات جان بدهند. در مملکتی که به ادعای رسانه ها هر صبح دوساعت به خاطر عبور و مرور قاضی القضاة، لوی خانوال، سران جهاد و مقاومت، فرماندهان تفنگدار و وزیران غربی و شرقی کابینه که در یک جیب تابعیت کشورهای خارجی را دارند و در جیب دیگر بسته های دالر که از برکت چوکیهای باد آورده و ند زده اند، عبور و مرور سفیران و نمایندگان فوق العاده کشورهای غربی، فرماندهان و قطار قوای ائتلاف و خودسری و ماشه کشی این قوا زندگی را بر مردم شهر به جهنم دردناکی تبدیل کرده اند.

قاچاقچیان و دزدان مشهوری در پسته های بزرگ دولتی امیده اند و طی بیش از دوده با استخراج، قاچاق و فروش سنگهای قیمتی که بی شرمانه و خبیثانه به این دزدی خویش هنوز زیاد می دهند. قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چور و چپا و سرما به های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی... به پیمانهای زیادی به چشم می خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده اند.

از یک طرف نگرانیهای بین المللی از تشدید بحران در کشور و افزایش خطر طالبان، تا جایی پیش رفت که برخی از مقامهای سازمان ملل حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش خشونت طالبان و کم توجهی بین المللی به این کشور تحت تاثیر بحران عراق سخن می گویند. و این احتمال وجود دارد که کشور بار دیگر به کشور ناکام مبدل شود و در اختیار تروریستهای مواد مخدر قرار گیرد.

فساد اداری، مواد مخدر، تروریسم، فقر، نا امنی، فقدان کار و زندگی بخور و نمیر، مشکلات با همسایه ها، حاکمیت جنگسالاران و نظایران همچون یک نظام پیوسته به هم عمل می کنند. در هر حال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل مردم سالاری که بتواند به خواسته های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمار می رود. در غیر آن هر شخصی با تجربه ای هم اگر در این حلقه بسته و در سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت. در کشور بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اوایل سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیش دست و خلاف توافق قبلی کابل را تصرف نمودند.

آن چه که این نیروها می توانند انجام بدهند، استفاده از سمت دولتی خود برای کشت خشکاش و قاچاق مواد مخدر است. آنها هنوز اسلحه در اختیار دارند نفوذ گذشته خود را بر مردم حفظ کرده اند. تامین امنیت و جمع آوری سلاح یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسمایی است که از زبان مسوولین دولتی و تریبونها و بلند گوها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس میکنیم. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و با امتداد اداره کرزی به اوج رسیده است. تا زمانی که بنیادگرایی و قانونگریزی از کشور ما ناپدید نشود، هیچ قانون و قانونمندی... نمی تواند اثر مثبت در بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی داشته باشد. گرچند در طول سالهای گذشته، در ظاهر اعلام شده که دولت و به خصوص وزارت تجارت از توسعه صنایع حمایت می کند، اما فعالیتها در این بخش، جدی و گسترده نبوده و تسهیلات لازم از قبیل زمین، انرژی، آب، امنیت، اعتبارات بانکی و... در اختیار سرمایه گذاران و تولیدکنندگان قرار نگرفته است. مشکل عمده دیگر در راستای حمایت از صنایع و رشد تولیدات این بوده که دولت نخواست از بخش تولیدی به بهانه اقتصاد بازار برابر واردات بی رویه و بی کیفیت، حمایت کند. از آنجایی که هیچگونه حمایتی از تولیدات داخلی وجود نداشته، تولیدکنندگان داخلی نتوانسته اند در برابر کالاهای ارزان و بی کیفیت دیگر کشورها، رقابت کنند و به تدریج، از صحنه رقابت حذف شده و در ابتدای راه، با ورشکستگی روبرو شده اند. تعطیل شدن بسیاری از صنایع نوپای کشور، گواه روشن بر این مطلب است.

د افغانستان بانک به عنوان بانک مرکزی از زمان شروع به کار خود، گرچه سیاستهایی را در مورد کنترل حجم پول و تثبیت ارزش آن انجام داده و توانسته است ارزش افغانی را در مقابل ارزهای خارجی بعضاً بالا ببرد، اما همین سیاست مورد انتقاد بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان مسائل مالی قرار گرفته است، زیرا موجب شده صادرات کشور تضعیف و از آن طرف واردات افزایش یابد و به دنبال آن تولید نوپای داخلی از بین رفته و بیکاری در کشور روز افزون گردد. متغیرهای کلان اقتصادی مانند اشتغال، تورم در کالاهای اساسی و ترابزرگانی خارجی نشان می دهد که سیاستهای پولی بانک مرکزی تاثیر چندانی نداشته و اگر موفقیتی بتوان برای آن بر شمرد تنها در کنترل نقدینگی و تثبیت نرخ ارز خلاصه

می‌شود که آن هم از سوی بسیاری از کارشناسان اقتصادی مورد تردید است. بنابراین، حکومت در اتخاذ سیاست پولی مناسب، موفقیت‌های چندانی نداشته است.

قرار بود تا پایان سال هشتادونو، انرژی برق به دسترس حد اقل شصت پنج درصد خانواده‌ها، نود درصد تأسیسات غیر رهايشی در شهرهای بزرگ و حد اقل بیست پنج درصد خانواده‌ها در دهات، قرار بگیرد، هفتاد پنج درصد مصارف انرژی برق از مصرف‌کنندگان شبکه ملی نیروی برق تأمین شود و یک استراتژی به منظور توسعه و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر تا پایان سال هشتادشش، ایجاد گردد که هیچ کدام تا کنون محقق نشده است.

دولت متعهد شده بود که تا پایان سال هشتاد پنج، فضای مناسب را جهت استخراج مؤثر معادن و منابع طبیعی ایجاد کند و تا آخر سال هشتاد نو، زیرساخت‌های لازم را به منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و داخلی در بخش معادن و منابع طبیعی بهبود بخشد که تا کنون کار مهمی صورت نداده است.

قرار بود تا پایان سال هشتاد نو، دولت برنامه‌هایی را طرح و اجرانماید تا زمین‌های تحت کشت خشخاش و دیگر مواد مخدر، رو به کاهش باشد، ولی تا کنون موفقیت چشم‌گیری نداشته است.

دولت تعهد کرده بود تا پایان سال هشتادونو، در راستای برآورده شدن اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال، شمار افرادی که درآمدشان کمتر از یک دالر آمریکایی در روز است، سالانه سه درصد و شمار افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند سالانه پنج درصد کاهش یابد، ولی شواهد حکایت از افزایش فقر در جامعه دارد.

آنچه گفته شد تنها نمونه‌هایی از کوتاهی‌ها و ناکامی‌های حکومت در زمینه اقتصادی است. این موارد نشان می‌دهد که حکومت یا در پلان‌گذاری دچار اشتباه و بلندپروازی شده و اهداف دوراز دسترس حداقل در زمان‌های پیش‌بینی شده برای خودش طراحی کرده و یا در مرحله عمل کم‌کاری صورت گرفته است. در هر دو حالت، ضعف متوجه حکومت است.

اما حقیقت مسلم این است که اختلاس، فساد، کارشکنی و رشوه مانع همه اقدامات انسانی و وطنی گردید و کزنی در غنای خیر مصروف روزگزارانی و مصلحت‌گرایی با جنگ سالاران در داخل و چشم‌پتکان و جنگ زرگری با خارجی‌ها گردید و مردم در ظلمت، زورگویی و بی بندوباری تفنگداران می‌سوزد.

سهم خارجی‌ها در اختلاس، فساد و رشوت

جنگ چنان بی‌عدالتی است همه‌ی آنهایی که آن را به راه می‌اندازند، می‌بایست صدای وجدان را در درون خود خفه کرده باشند.



بیهوده نشسته‌ایم اما بی‌تاب
که بیا توبه یاری ما بشتاب
تا خود دست و آستین برنزنیم
با اینان تکان نمی‌خورد آب.

به درختان جنگل گفتم چرا شما با این عظمت از تکه آهنی بنام تبر میرنجید؟
گفتند، رنج ما از تبر نیست، از دسته آنست که از جنس خود ماست.

جالب اینجا است زمانی که بازرسان آمریکایی در افغانستان مشغول بررسی دوسیه‌ها بودند، هرچه بیشتر تحقیق می‌کردند متهمان، تعداد بیشتری از همدستان خود را معرفی می‌نمودند که بازرسان قبلی نیز جزو این اختلاس‌کنندگان بودند. با این توضیح که بازرسانی را که آمریکا برای جلوگیری از اختلاس مأمور کرده بود، خود با مفسدین اقتصادی همکاری داشتند. در این میان روش دزدیده شدن این پولها نیز بسیار جالب توجه است، یکی از کارمندان محلی سفارت آمریکا دوصدوچهل هزار دالر را به جای هزینه‌های لوژستیک به حساب شخصی خود واریز کرده بود، بعضی از سربازان مبالغ

هنگفتی را در میان پرچم، داخل گدی های بازی اطفال ویا داخل لباس بابانول پیچیده ودر غالب بسته های شخصی برای خانواده های خود ارسال کرده اند.

رقم پولهای ناپدید شده ویا دزدی شده در افغانستان به میلیارد ها دالر می رسد و همچنان گفته می شود میلیارد ها دالرنیز از این کمکها دوباره به آمریکا بازگردانده شده، هیچ کس نمی داند یا نمی گوید چقدر پول به خاطر سوء مدیریت آمریکا در بازسازی افغانستان تلف ویا در اثر سوء استفاده از دست رفته است. بنا به عقیده بسیاری از آگاهان این يك جرم آشکار در منطقه جنگی محسوب می شود، زیرا هدف این بودجه های بازسازی مناطق جنگی و رسیدگی به وضعیت مردم جنگزده می باشد، نه پر کردن جیبهای خودی. به هر حال باید برخی مقامات افغانستان خطاب به غربیها بگویند- احسن بر شما که راه و چاره رشوت، اختلاس و فساد اقتصادی را به ما آموزش می دهید. به راستی مفسدین اقتصادی افغانستان حتما وقتی این همه فساد به سبک غربی را دیده اند، با خود گفته اند چرا وقتی آمریکاییها می دزدند و می برند، ما دزدی نکنیم و نبریم؟!.

اداره تفتیش کمکهای دولت آمریکا برای افغانستان، از سالها به این سو در پی ردیابی موارد سوء استفاده، اختلاس و یا هم دستبرد به داراییهای کمک شده آمریکا در افغانستان است. اداره تفتیش موارد متعددی از حیث و میل و دستبرد به دارایی های کمک شده آمریکا در افغانستان را افشا کرده است. چند هفته پیش اداره تفتیش در گزارشی از خریداری غیر ضروری چندین میلیون دالری وسایل اضافی موتراهای نیروهای پولیس خیر داد. این اولین بار نیست که بازرسان و رسانهها پرده از روی اختلاسهای میلیون دالری برمی دارند.

سال گذشته رسانه های بین المللی خبر از اختلاس ۴۲ میلیون دالری در شفاخانه نظامی سردار محمد داوود، دادند. این خبر منجر به برکناری رئیس شفاخانه شد. با وجود ادارات با صلاحیت و مقتدر مبارزه با فساد اداری و مصارف هنگفت در این راه، چرا فساد اداری در افغانستان محو نمی شود؟ ضعف مدیریت در نظام، عدم شفافیت در حسابدهی و پاسخدهی، یکی از مهم ترین عوامل فساد گسترده اداری در کشور شناخته شده است. آلوده بودن برخی از مقامات در ادارات و طمع برای سوء استفاده از داراییهای عمومی و خاطر جمعی از بازپرسی نشدن از سوی دولت، زمینه ساز شده تا آنها بی باکانه دست به فساد بزنند.

کرزی با انتقاد از کشورهای غربی مبنی بر پناه دادن به مفسدان اقتصادی، تصریح کرد- چنانچه طالبان در خارج از افغانستان پناهگاه دارند، مفسدان اقتصادی افغانستان نیز پس از ارتکاب جرم به لندن، واشنگتن و پاریس فرار می کنند. کسانی که دارای گذرنامه خارجی هستند، هر گونه فساد را در افغانستان مرتکب شده و سپس به خارج فرار می کنند. بدیهی است که همه شهروندان خارجی که زیر عناوین مختلف برای تطبیق پروژه های بزرگ داخل افغانستان می شوند، از فساد مبرا نیستند. در بسیاری از موارد بحثهایی در این خصوص از سوی مقامات کشور مطرح شده، باری کرزی در مراسم تجلیل از روز جهانی مبارزه با فساد اداری در کابل، پرده از این ماجرا برداشت و گفت که خارجیها گوشه ای از عامل فساد اداری در افغانستان هستند و آنها در عقد قراردادهای بزرگ با هزینه های هنگفت و آلوده با فساد، دست دارند. زرمه های دست داشتن خارجیها در این ماجرا، از گذشته ها سرزبان ها بود.

داستان حضور کارمندان خارجی در یگانه شرکت هوانوردی دولتی در افغانستان در سال ۲۰۰۶ و اختلاس شصت میلیون دالری و ضرر ۴۰ میلیون دالری توسط رئیس پیشین این شرکت به کمک کارمندان خارجی، نمونه هایی از دست داشتن شماری از خارجی هادرفساد اداری در کشور است. وارد کردن غیرقانونی موتراهای زره پوش به افغانستان توسط یک بریتانیایی به کمک همکاران افغانش در سال ۲۰۱۰ که منجر به بازداشت این خارجی از سوی اداره امنیت ملی گردید، نمونه دیگری از این ماجراهاست.

پس از اظهارات کرزی مبنی بر این که فساد اداری در افغانستان ریشه در قراردادهای خارجی دارد، سفیر آمریکا در کابل به دست داشتن کشورش در فساد اداری افغانستان اعتراف کرد. وی با حضور در یک کنفرانس خبری در کابل، اعتراف کرد، آمریکا به صورت تصادفی و از روی اشتباه در برخی موارد به گسترش فساد اداری در افغانستان کمک کرده است و این مسئله در بیشتر قراردادهای آمریکایی رخ داده است. این دیپلمات آمریکایی درباره تحویل عبدالقدیر فطرت رئیس پیشین بانک مرکزی که از سوی دولت متهم به فساد است و هم اکنون در آمریکا به سر می برد، گفت- آمریکا نمی تواند وی را به دولت تحویل دهد زیرا میان دولت های آمریکا و افغانستان چنین قراردادی وجود ندارد. در پنج سال گذشته، چهل نفر از اختلاسگران آمریکایی که متهم به فساد اداری بودند، محاکمه شدند، آنها باعث میلیونها دالراختلاس شده بودند که بعد از رسیدگی دوباره این پول ها به چرخه اقتصاد آمریکا بازگشت.

همچنان سفیر انگلیس در کابل گفت که کمکهای خارجی به افغانستان به افزایش فساد در این کشور جنگ زده افزوده است. در برخی موارد ما باید خود را مقصر بدانیم که پول خود را در راهی بسیار معقول و منطقی هزینه نکرده ایم. وی این اظهارات را پس از آن مطرح کرد که کرزی در مصاحبه با شبکه ان بی سی، آمریکا و نیروهای ناتورا به افزایش خشونت و

فساد در کشور دانست. این درحالی است که براساس گزارش اخیر شفافیت بین‌المللی درباره بررسی بین‌المللی فساد بخش عمومی، افغانستان به عنوان یکی از سه کشور فاسد دنیا شناخته می‌شود.

اشرف غنی و فساد بهم تنیده ، دولت از هم پاشیده و مردم ستم‌دیده

بیا اینجا به فصل درد بنگر

یتمان وطن یخ کرد بنگر

بروبخوان سرود زندگی را

همه گوید بیا ای مرد بنگر.

خوانده بودم! دستهایی که کمک می‌کند، مقدس تر از لبهایی اند که دعا می‌خوانند



آقای اشرف غنی ! افغانستان دچار بحرانها و مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی شده است. فقر و جهل دو عامل اساسی مشکلات جامعه بوده اند. بی عدالتی، بی قانونی، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد اداری، بنیادگرایی، تبعیضات قومی و مذهبی، مواد مخدر و دهها مشکل دیگر سالهاست که دامن جامعه را فرا گرفته و زندگی آرام و خوش را از شهروندان کشور سلب نموده اند. پس راه چاره بی اندیشید در غیر آن تونیزمانند کرزی غرق مصلحت گرایی و بی کفایتی خواهی شد. فردا تاریخ وطن نامت را در صفحه سیاهش خواهد نوشت.

برخیها اقتصاد کشور را در اختیار خود قرار داده و در تمام بازارها و تجارت کشور دخالت دارند. دیده‌بان شفافیت افغانستان در گزارش تازه خود از در اختیار داشتن بازار و تجارت کشور توسط برخی از مقامات دولتی خبر داده و ابراز نگرانی کرده است. تجارت و بازار کشور را تحت نفوذ خود دارند که حتی قیمت مواد را در بازار تعیین می‌کنند. کیه این عمل را انجام می‌دهند؟، والی‌ها، اعضای پارلمان، فرماندهان جهادی و برخی از وزرا دولت . دولت محیط مناسبی برای فعالیت این افراد فراهم کرده است تا برای حفظ منافع اقتصادی خود، از قدرت سیاسی و نظامی خود در این راستا استفاده کنند. جامعه جهانی اکثر قراردادهای ساختمانی و لوژستیک را به خاطر به اتمام رساندن پروژه وبدون در نظر داشت این‌که آیا آن‌ها در فساد اداری یا کارهای غیرقانونی دست داشته‌اند یا خیر، به اینان می‌دهد که این می‌تواند تجارت غیرمشروع را تقویت کرده و بی اعتمادی و نارضایتی را بین دیگر داوطلبان به وجود آورد. اگر یک فرد مقتدر به حرفه تجارت وارد گردد؛ رقیبان کم قدرت به شکل داوطلبانه از بازار خارج می‌شوند و با تهدید و استفاده از زور، مجبور به بستن تجارت خود در کشور می‌شوند.

افغانستان میلیاردها دلار از طریق انحصار اقتصاد مردم صدمه می‌بیند. تجارت در کشور اغلب به نام جنگ سالاران و قدرتمداران و یا به نام یکی از افراد نزدیک آن‌ها ثبت می‌شود. برای محدود ساختن قدرت در بازارها، باید قوانین ضد انحصار به گونه‌ی ساخته شود که رقابت بازار را در کشور تسهیل کند و به نفع مصرف کنندگان تمام شود، دولت باید دسترسی عادلانه و شفاف تاجران را به محیط‌های صنعتی تسهیل کند و افراد داخل دولت باید به صورت منظم دارایی‌های آن‌ها ثبت و بررسی شود.

اشرف غنی در کنفرانس خبری خود پس از بازگشت از سفر چهار روزه چین، وعده داد به شدت با فساد مالی مسوولان کشوری مثل اختلاس یک میلیارد دالری کابل بانک در دولت قبلی، برخورد خواهد کرد. مساله کابل بانک در دست تحقیق است و فرایند قانونی خود را طی می کند و امیدواریم دادگاه و نظام قضایی کشور حکمی عادلانه برای این رسوایی اتخاذ کنند. اما مردم بدانند که کشور بیش از این شاهد جرایم مربوط به بانک ها و اختلاس نخواهد بود چون بانک ها و نهادهای مالی پایگاه اساسی برای سرمایه گذاری هستند.

بر اساس گزارش نهادهای مربوطه، دو سال پیش میزان فساد اداری در دفاتر دولتی یک میلیارد دالدرسال بود، اما این رقم در سال دوهزارسیزده میلادی به میلیارد دالرافزایش یافته بود که بیشترین آمار این فسادها به ترتیب در بخش های عدلی و قضایی، پولیس، معارف و صحت عامه صورت گرفته و همچنین در دفاتر تذکره و پاسپورت نیز فساد اداری گسترده ای وجود دارد.

متأسفانه در دولت کرزی، فساد اداری آنچنان در کشور به اوج خود رسید که بر اساس گزارش نهاد بین المللی، افغانستان در زمره مفسدترین کشورهای جهان قرار گرفت و بعد از گذر سیزده سال تا کنون راه حلی برای ریشه کن کردن آن پیدا نشده است. وجود ادارات موازی مختلف و عدم هماهنگی آنان و همچنین افراد زورمند و مقاماتی که هرگز اجازه عملکرد صحیح به اداره مبارزه با فساد اداری را نمی دهند از عواملی است که تا کنون مفسدین را در مقامات بلند پایه خود نگاه داشته و فساد را هر روز در کشور تشدید می کند.

فساد در همه ارگانها ریشه دوانده است. از جمله مقامات دولتی، سیاستمداران و اعضای پارلمان که با انعقاد قراردادهای نامشروع با جامعه جهانی و کسب صدها میلیون دالراز راه غیرقانونی به آزدهای اقتصادی در کشور تبدیل شده اند و در زمانی کوتاه، منازل، موتورها و سرمایه های هنگفتی به دست آورده اند که اکثراً از راه نامشروع کسب شده است. امتیاز دادن پنهانی برخی از کشورهای خارجی به دادن معاشات چندگانه به مقامات بلند پایه دولتی نیز از عمده ترین عوامل گسترش فساد در حکومت می باشد.

علت این است که در کشور ما عدم رسیدگی به متهمان فساد در دردهای بالاتر دولت و تطبیق نشدن یکسان قانون باعث عامل اصلی افزایش فساد اداری است. تاکنون زورمندان و کسانی که خود را بالاتر از قانون می دانند، به هرگونه فساد، جنایت دست می زدند و هیچ نیرو و قدرتی نتوانست آن ها را به محاکمه بکشاند.

آقای رییس جمهور غنی! توجه جدي و عاجل تانرا به دوماضوع بسیار مهم جلب مینمایم:

1- < به اساس ارقام کشورهای غربی که بسیار محتاطانه و محافظه کارانه است حدود ۴۰۰۰۰۰ کودک در کشور مشغول گدایی هستند و تنها در شهر کابل بیشتر از ۴۰۰۰۰۰ کودک روزانه ده ساعت به کار طاقت فرسای بدون رخصتی مصروف اند که ۲۰٪ آن را دختران و ۸۰٪ آن را پسران تشکیل می دهد. عاید روزانه اینان کمتر از یک چهارم دالر می باشد. اینان اکثراً به خرده فروشی، سگرت فروشی، ترکاری فروشی، دستگردانی و غیره روز میگذرانند و تعدادی هم به کار جمعآوری استخوان انسانها از گورستانها و جمعآوری کاغذ و آهن باب هستند که تا حال تعداد قابل توجهی از آنان قربانی مین های ضد پرسنل شده اند.

اما از همه مصیبت بارتر وضعیت کودکانی است که در زباله های شهر سرگردان اند. اینان صبح وقت در هوای سرد زمستان در تکه های کهنه و فرسوده ی بنام لباس خود را می پیچانند و با بیقراری از ورزش سرما در انتظار سطل زباله ی هستند که در کوچها ریخته می شود. وقتی فردی سطل زباله اش را خالی می کند با تعجب می بینند که کودکان و سگهای ولگرد یکجا به طرف زباله هجوم می آورند. طبعاً سگها پیشی می گیرند و کودکان با فریادها و تهدیدها به زحمت قادر می شوند سگهای گرسنه را از آنجا برانند و خود مصروف پالیدن شوند. این کشمکش به بازی روزمره کودکان و سگان مبدل شده و هر دو به آن سخت عادی شده اند. و اما کودکان در زباله های شهر تجاوز دیده ی ما چه می خواهند؟ استخوان؟ ابداً. چون با معاش ماهوار صد هزار افغانی صرفاً می توان سه کیلو گوشت خریداری کرد.

پوست میوه؟ نه. چون ارزان ترین میوه ملاحور، فی چارک کمتر از ۱۲۰۰۰ افغانی نیست که به استثنای تفنگ بدستان خاین کسی توان خرید آن را ندارد. کودکان در زباله ها صرفاً چیزهایی می یابند که می توانند در سوخت از آن کار بگیرند. آمار غربی تعداد کودکان مکتب نرفته را ۴۰٪ می داند ولی رقم واقعی به مراتب بیشتر است. زیرا امروز در کابل کودک هر فامیلی اگر کار نکند باید از گرسنگی بمیرد. با معاش نان آور خانه می توان ماهانه جمعاً صد قرص نان خرید که به مشکل تنها شکم یک نفر از آنان سیر می شود. کودک باید درس نخواند و نان خشک خود را خودش کمایی نماید. و اگر شوق تحصیلی دارد یا باید آن اشتیاق را در خود بکشد و یا اینکه شبها گرسنه بخوابد.

2- < فصل سرما از راه می رسد و قیمت مواد سوختی و ارتزاقی طبق معمول در کشور بالا می رود. بی جاشدگان داخلی که در نقاط مختلف کابل مسکن گزیده اند، شاک می اند که مشکلات شان رو به افزایش است. بر اساس ارقام وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، حدود شصت نوهزار بیجاشده داخلی در کمیشنری ملل متحد در امور پناهندگان ثبت شده

اند. از این رقم، سه هزار خانواده اکنون در کابل زندگی می کنند. هزار دوصد خانواده تنها در چهارراهی قنبر شهر کابل مسکن گزیده اند.

مشکلات مردم فقیر و بی بضاعت فراتر از هر مشکلی است در هر طرف که نظر افکنیم مردم را دچار ابنوه مشکلات و نابسامانیهای می یابیم که در زندگی خویش با آن دست و گریبان است و زندگی امروزی را با تحمل صدها رنج و مشقت به فردا میرساند، فردای نامعلوم و بی سرنوشتی. با وجود اینکه مهاجرت و زندگی در زیر چادر (خیمه) ها در هر فصل سال به خصوص در روزهای سرد زمستان مشکل است با آنهم تعدادی از خانواده ها از روی اجبار و یا هم بخاطر جلب کمک های سازمانهای امداد رسان در زیر خیمه ها زندگی می کنند. با وجود سرآزیر شدن میلیاردها دالر کمک خارجی به افغانستان هنوز هم هزاران خانواده مهاجر در شهر کابل در زیر خیمه ها زندگی می کنند.

در کابل که در آن بعضی ها از برکت سیلاب دالر صاحب شرکت های هوایی و آسمان خراش ها در دوی و سینگاپور شدند مگر خیمه نشینان این شهر با شکایت ازدشواری های زندگی در فصل زمستان از دولت می خواهند آنها را کمک کنند لیکن متاسفانه دولت آنها را به باد فراموشی سپرده است و زمانی آنها را به یاد می آورد که از کشورهای خارجی بنام آنها تقاضای کمک می کند.

جنگ و نا امنی در شماری از ولایت های کشور، از جمله جنوب و شمال شرق کشور، باعث آوارگی هزاران خانواده به مناطق فقیر نشین شهر کابل و شماری از شهرهای بزرگ دیگر، شده است. گزارش ها می رساند که شماری از کودکان آواره بر اثر سرمای شدید زمستان جان خود را از دست داده و گفته می شود که این خانواده ها از نظر اقتصادی با مشکلات زیادی روبرو هستند.

بیش از هزار دوصد فامیل در نزدیکی چهارراهی قنبر در زیر خیمه زندگی میکنند، اینها مهاجرینی هستند که طی این سالها از عدم امنیت و گاهی جنگ های که در ولایات نا امن از جمله ولایت هلمند و قندهار صورت گرفت به کابل آواره و در زیر خیمه ها مسکن گزین شده اند، اگر گذری در این خیمه ها داشته و وضعیت زندگی امروزی این مهاجرین را مشاهده کنیم در میابیم که وضعیت زنده گی مهاجرین (خیمه نشین) تا به چه حد خراب است.

مردان و زنان جوان بیکار، در کنار دیوارها نشسته و هیچ برنامه برای زندگی ندارند، تنها به کمک های که از سوی نهاد های خیریه و تاجران کشور برای شان مساعدت میگردد چشم دوخته اند، کودکانی معصومی دیده میشوند که بدون داشتن لباس مطلوب، پاپوش در چنین هوای سرد و نمناک زمستانی مشغول سرگرمی و خاک بازی اند.

همچنان در نزدیکی مرستون کابل به تعداد بیش از پنجاه فامیل دیگر در زیر خیمه ها با وضعیت مشابه روبرو هستند، در جریان صحبت های که با مردم در این کمپ داشتیم همه فقط تقاضای کمک از دولت و نهاد های خیریه را مطرح میکردند و در پاسخ به هر سوالی میگفت که شما خود ببیند که ماهیچ چیز نداریم و دولت باید با ما کمک کند، منظورشان کمک های اولیه از قبیل مواد غذایی، البسه و هم ادویه بود، اما در قمست ایجاد اشتغال و یا هم توزیع زمین جهت اسکان شان در زمین های دولتی هیچ نظری نداشتند.

اینجاست که نهاد های مسئول باید در نخست برای خیمه نشینان زمینه کار را مساعد سازد و ثانیاً در قسمت اسکان اینها، توزیع زمین و یا هم برگشت شان به ولایات شان اقدام گردد در غیر آن سرنوشت کنونی این مهاجرین با وضعیت محقر و خرابی که روبرو است افزایش یافته و کمکه های که به ایشان صورت میگیرد افراد جوان مهاجرین کمپ یاد شده را به بیکاری تشویق مینماید.

ادامه دارد...